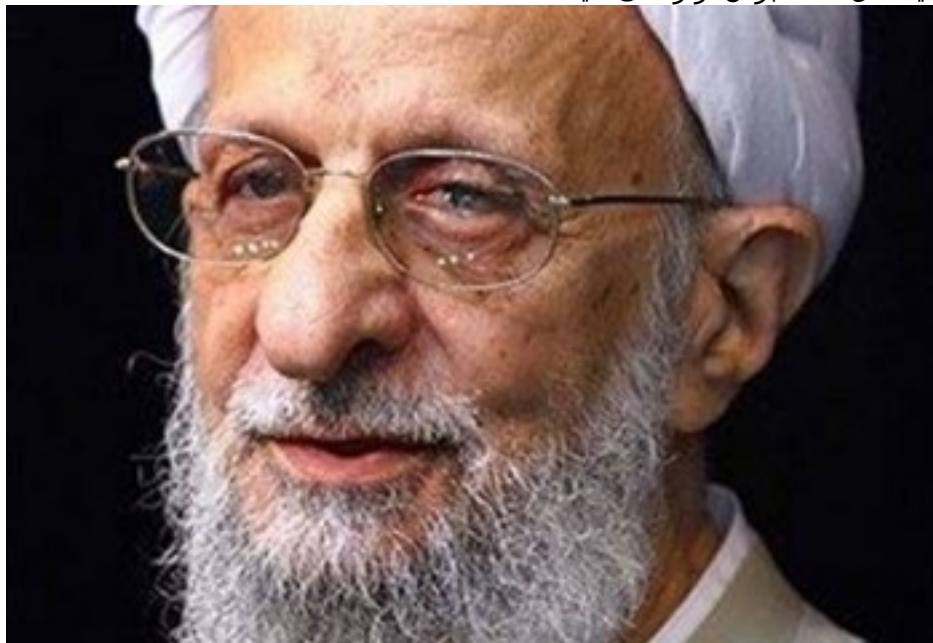


این استاد حوزه علمیه گفته برخی از کسانی که خودشان دست اندرکار این انقلاب بودند آن گونه که شایسته است عمق ارزش‌های انقلاب را درک نکرده‌اند.

آیا اصل، لذت بردن از زندگی دنیا است؟



به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از ایسنا، محمدتقی مصباح یزدی، طی سخنانی در دیدار با گروهی از دانشجویان شرکت‌کننده در دوره «طرح ولایت» با بیان عوامل مختلف یک انقلاب اظهار کرد: عمده انقلاب‌هایی که در دنیا واقع شده تحت تأثیر نیازهای مادی و جسمی بوده است، البته گاهی امور جانبی دیگری هم که جنبه ارزشی دارند، در شکل‌گیری یا شدت یک انقلاب تأثیراتی داشته‌اند. توجه به این نکته لازم است که ارزش‌ها متفاوت‌اند؛ برخی ارزش‌ها را همه انسان‌ها پذیرفته‌اند و برخی دیگر تنها برای عده‌ای یا جامعه خاصی ارزش تلقی می‌شود.

استاد حوزه علمیه قم با بیان اینکه گاهی جنگ‌ها، تحولات و انقلاب‌ها در اثر عوامل غیرمادی و با رویکرد ارزشی و صرف نظر از حق یا باطل بودن آنها رخ می‌دهد، افزود: از این انقلاب‌ها به عنوان انقلاب فرهنگی یاد می‌شود؛ جنگ‌هایی که در نتیجه نژادپرستی واقع شده، نمونه‌ای از این انقلاب‌هاست؛ برخی جنگ‌ها نیز در نتیجه عوامل ارزشی مثبت واقع شده و افرادی که ارزش‌های مثبتی را پذیرفته بودند و به دنبال ترویج آن بودند؛ اما کسانی که خاطر منافع خودشان مانع انتشار این ارزش‌ها می‌شدند.

وی ادامه داد: ناگفته نماند که کسانی با انگیزه‌های مادی و برای سلطه‌جویی و تأمین منافع خودشان به اسم دین جنگ‌هایی را انجام دادند که نباید آنها را به حساب دین گذاشت؛ مانند جنگ‌هایی که امپراتوری عثمانی به اسم دین انجام داد و حتی تا قلب اروپا نیز پیش رفت. پس جنگ‌ها گاهی صرفاً با انگیزه مادی صورت گرفته، گاهی نیز ارزش‌های غیرمادی دیگری در آنها مطرح بوده است؛ گاهی هم انگیزه مادی موجب راه‌اندازی یک جنگ شده، اما بانیان آن این کار را به اسم ارزش انجام داده‌اند.

مصباح یزدی با اشاره به اینکه در تاریخ گذشته به غیر از حرکت پیامبر اسلام حرکتی که واقعاً بتوان آن را انقلاب دینی نامید، یافت نمی‌شود، تأکید کرد: در دوران معاصر نیز فقط انقلاب اسلامی یک حرکت سریع اجتماعی بود که بر اساس ایده دینی و ایدئولوژی صحیح شکل گرفت و پس از گذشت چهار سال هنوز آثارش در دنیا قابل مشاهده است.

وی افزود: البته برای ما ساده است که باور کنیم عامل اصلی در این انقلاب، دین بوده و رهبر آن نیز یک عالم دینی بوده که برای احیاء ارزش‌های دین قیام کرده و از روز اول تا آخر، عمده‌ترین دغدغه‌اش اسلام بود؛ اما برای یک تاریخ‌نویس و جامعه‌شناس دشوار است که باور کند یک روحانی مذهبی بتواند چنین انقلابی را رقم بزند و مردم نیز برای دفاع از دین جانانشان را به خطر بیندازند.

مصباح یزدی با تأکید بر اینکه کمتر کسی باور می‌کرد که این انقلاب به پیروزی برسد، ادامه داد: احساس می‌کنم وظیفه دارم در روزهای پایانی عمرم مطالبی را درباره ارزش‌های انقلاب بگویم که متأسفانه کمتر به آن توجه می‌شود و حتی برخی از کسانی که خودشان دست اندرکار این انقلاب بودند، و در پیاده کردن این ارزش‌های و برقراری این نظام نقش داشتند، آن گونه که شایسته است، عمق این مطالب را درک نکرده‌اند.

استاد حوزه علمیه قم گفت: جامعه امروز ما در ادامه سیر تکوینی خود در دوران پرنشاط جوانی به سر می‌برد؛ یعنی دوران طفولیت و خردسالی را پشت سر گذاشته و زمان رفتارهای کودکانه و هوسبازانه‌اش گذشته است؛ اما قرار نیست هر جوانی که سالم و قوی بود، صالح هم باشد؛ خیلی از افراد از نیروی بدنی و امکاناتشان سوء استفاده می‌کنند و جنایات‌های عظیمی را انجام می‌دهند؛ در طول تاریخ بشریت هم نمی‌توان برهه‌ای را نشان داد که همه مردم یا اکثریت قریب به اتفاق افراد جامعه صالح و درستکار باشند؛ بلکه شواهد تاریخی و مؤیدات قرآنی گواه عکس این مطلب است؛ اما کسانی که از استعداد و توانمندی برخوردارند و دلسوز خود و دیگران هستند، باید راه بهره‌برداری از این نعمت‌ها را پیدا کرده و با صبر و حوصله راه صحیح را بیمایند و دیگران را نیز در این مسیر با خود همراه کنند.

مصباح یزدی با طرح این سؤال که جوهره اصلی این انقلاب چه بود، اظهار کرد: شخص امام(ره) که پرچمدار این انقلاب بود و یاران ایشان و کسانی که هنوز هم واقعا پیرو ایشان هستند، ادعایشان این است که عنصر اصلی این انقلاب «دین» بود و معتقد بودند که باید ارزش‌های اسلامی پیاده، و با دشمنان دین مبارزه شود؛ اما برای همه -مخصوصاً نسل جوانی که می‌خواهد صرفاً تقلیدکننده نباشد و برای فکر و رفتار خود به دنبال دلیل متقن می‌گردد- پذیرش این مسئله آسان نیست؛ پس این سؤال مطرح می‌شود که آیا اصلاً درست است که دین در تحولات اجتماعی و انقلاب نقش داشته باشد.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با بیان اینکه بسیاری اعتقاد دارند، دین یک امر فردی، و محدود به دعا و مناجات انسان با خداست، افزود: این عده معتقدند که دین به مسائل دنیا و سیاست ربطی ندارد؛ طبیعتاً این تعریف از دین با دینی که امام راجل(ره) آن را تعریف کرد، بسیار متفاوت است؛ اما وظیفه ما در برابر کسانی که این عقیده را ترویج می‌کنند، چیست؟ آیا باید با آنها بجنگیم، یا وظیفه دیگری داریم؟

مصباح یزدی ادامه داد: فکر و اعتقاد دیگران را نمی‌توان با زور و اجبار عوض کرد و نسل جوان امروز که به درستی برای کارهایش به دنبال دلیل می‌گردد، را نمی‌توان قانع کرد که بر اساس تقلید، اعتقادی را بپذیرند؛ چه بسا برخی از آنها شیوه پدرانشان را اشتباه بدانند؛ شاید بعضی از ایشان معتقد باشند این همه جنگ و ویرانی و کشته و معلول شدن این تعداد انسان چه فایده‌ای داشت؛ آیا نمی‌شد راه کم‌هزینه‌تری را برای رسیدن به اهداف انقلاب انتخاب کرد؟

وی گفت: حتی اگر پذیرفته شد که دین باید در امور اجتماعی و سیاسی دخالت کند، سؤال دیگری مطرح می‌شود این است که آیا روشی که جمهوری اسلامی در پیش گرفته، روش درستی است؛ و حتی اگر روش جمهوری اسلامی را در گذشته درست بدانیم، آیا در ادامه هم باید با همین شیوه جلو رفت، یا با تغییر شرایط باید به گونه دیگری عمل کرد؟ آیا امروز هم لازم است از شعارهای اول انقلاب حمایت کرد یا باید راه‌های دیگری را بیابیم تا ضرر کمتری داشته باشیم؟

مصباح یزدی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: اگر بخواهیم نسل آینده ما اسلام انقلابی را باور داشته باشد و در این مسیر تلاش کند، باید پاسخ این سؤالات به خوبی برایش تبیین شود؛ مخصوصاً با توجه به اینکه دشمنان ما دائماً چنین سؤالاتی را به شیوه‌های مختلف مطرح می‌کنند و حتی اگر در ذهن جوانی این شبهات وجود نداشته باشد، دشمنان برای او این سؤالات را طرح خواهند کرد.

وی با تأکید بر این که همه این سؤالات جواب دارد، خاطر نشان کرد: مسأله مهم این است که چگونه و با چه روشی باید به این سؤالات پاسخ داد؟ آیا می‌توان در پاسخ دادن به این سؤالات، صرفاً فرمایشات مقام معظم رهبری را به عنوان سند قرار داد، یا می‌توان در پاسخ به همه افراد از آیات قرآن به عنوان دلیل استفاده کرد؟ چه بسا برخی قرآن را قبول نداشته باشند و یا کسانی که آن را قبول دارند، بگویند برداشت ما از آیات قرآن چیز دیگری است؛ چون برخی آیات قرآن متنشابه است؛ مگر نه اینکه خوارج هم از آیات قرآن برای جنگ با حضرت علی(ع) استفاده می‌کردند؟! لذا ابتدا باید عقل انسان برخی مطالب را بپذیرد و قانع شود و سپس به وسیله عقل، به سمت قرآن هدایت شود.

وی با بیان اینکه عده‌ای معتقدند دورانی که رهبر جامعه مطلبی را بگوید و دیگران هم بدون کم و کاست آن را بپذیرند، تمام شده است، ادامه داد: در این‌جا لازم است به این نکته توجه شود که یکی از حکمت‌های صدور بیانیه گام دوم انقلاب این است که بدانیم اتفاقاً هنوز دوره انقلاب تمام نشده است؛ بلکه هنوز فقط یک گام از آن برداشته شده و این انقلاب دائمی خواهد بود؛ چون عامل آن امری فطری و تغییرناپذیر است؛ آن عامل با فراهم شدن شرایط، موجب ایجاد یک انقلاب شد، و ما باید آن شرایط را حفظ کنیم تا آن عامل همیشه اثر خود را ببخشد و هر گام آن ما را به ظهور نزدیک‌تر کند. البته باید توجه داشته باشیم که قرار نیست همگان با این سخنان قانع شوند.

مصباح یزدی ادامه داد: روح همه دستاویزهایی که برای تشکیک در انقلاب از آنها سوء استفاده می‌شود و با زبان‌ها و بیانات و سطوح مختلف و شیوه‌های متعدد اعم از فیلم و تئاتر و شعر و مطالب علمی آن را بیان می‌کنند، یک چیز است و آن روح این است که ما باید در زندگی دنیا خوش باشیم؛ یعنی خوب بپوشیم، خوب بخوریم، خوب لذت جنسی ببریم و سرانجام هم راحت بخوابیم. دشمنان انقلاب هرگاه بخواهند شما از مسائل ارزشی فاصله بگیرید و در آنها تشکیک کنند، همین امور را مطرح می‌کنند. البته استفاده صحیح از نعمت‌های دنیوی نه تنها مذموم نیست، بلکه مطلوب است؛ اما سخن در این است که آیا اصل، لذت بردن از زندگی دنیا است و هدف والاتری برای انسان در نظر گرفته نشده است؟

برچسب‌ها: [حوزه علمیه](#) [1]

[انقلاب](#) [2]

[رهبر انقلاب](#) [3]

[ولایت فقیه](#) [4]

